

## بهائیان و اعزام مورگان شوستر به ایران

۱ تیر ۱۳۹۵ ساعت ۱۸:۰۶

شکل‌گیری مکتب شیخیه یکی از تحولات فکری مهم قرن ۱۳ ق در ایران و در میان شیعیان به حساب می‌آید. این مکتب با ارائه‌ی تعبیرهای فلسفی و عرفانی جدید درباره‌ی مقولاتی مانند ماهیت روح، کیفیت معراج، مفهوم «هورقلیا»، رکن رابع و شیعه‌ی کامل و همچنین مقام امام در سلسله‌مراتب وجودی و نحوه‌ی رابطه‌ی امام با آفریدگار، موجبات تغییر و تحول گسترده در اندیشه‌ی عده‌ای شد. با اندیشه‌های جدید تلفیقی، راه برای ایجاد و گسترش نحله‌های فکری هموار گردید. نهایتاً آنچه مکتب شیخیه در حوزه‌ی اندیشه و عمل به همراه آورد، سبب نضج‌گیری بایبه - بهائیه شد. از طرف دیگر به دلیل نقش مخرب و منفی بهائیان در تحولات سیاسی و اجتماعی مختلف مبارزه با بهائی‌ها نیز از سوی طبقات آگاه جامعه ایران نظیر روحانیت و عالمان دینی صورت گرفت. از همان ابتدای پیدایش فرقه‌ی بایبه، مبارزه با آن آغاز شد و در سال‌ها و دهه‌های بعدی نیز ادامه یافت.

جوان و تاریخ - مقالات



یکی از رهبران بهائی که با عبدالبهاء همکاری صمیمانه داشت، علیقلی خان نبیل‌الدوله بود. او در جوانی در سفارت انگلیس در تهران کار می‌کرد، بعدها از طرف عبدالبهاء به آمریکا رفت و در مسافرت عبدالبهاء به آمریکا، مترجم سخنرانی‌های او بود.<sup>[۱]</sup> نبیل‌الدوله فرزند «عبدالرحیم خان کلانتر» معاون «کنت دو مورنت فورن» رئیس‌نظمیه‌ی تهران بود.<sup>[۲]</sup> او متعلق به خاندان سپهر کاشی و از خویشاوندان احمدعلی خان مورخ‌الدوله‌ی سپهر بود. خانواده‌ی سپهرکاشی از احفاد لسان‌الملک سپهر، نویسنده‌ی مشهور ناسخ‌التواریخ بودند.<sup>[۳]</sup>

علیقلی خان نبیل‌الدوله از سال ۱۳۱۹ق همراه با عده‌ی دیگر از بهائیان به دستور عبدالبهاء در آمریکا می‌زیست و کاردار ایران در واشنگتن بود. نبیل‌الدوله نخستین ایرانی بود که در سازمان فراماسونری آمریکا و در طریقت اسکاتی کهن به درجه‌ی سی و سوم (عالی‌ترین درجه‌ی فراماسونی) رسید و همچنین عالی‌ترین نشان ماسونی را که فقط به رؤسای جمهور آمریکا اعطا می‌شود، دریافت کرد.<sup>[۴]</sup>

زمانی که در بین نمایندگان مجلس در باب استخدام مستشار از آمریکا، اکثریت آراء حاصل شد، میرزا حسینقلی خان نواب، وزیر امور خارجه، از نبیل‌الدوله خواست که تعدادی متخصص مالیه از وزارت امور خارجه‌ی آمریکا طلب کند و مستشاری را برای مدت سه سال استخدام نماید. قبلاً موافقت وزیر خارجه‌ی آمریکا هم جلب شده بود. حسینقلی خان نواب توصیه کرد، که کاردار ایران به آراء و نصایح دیگران اعتنایی ننماید و از دخالت اشخاص غیرمسئول جلوگیری نماید. خواسته شد که نتیجه‌ی مذاکرات به صورت رمز به اطلاع «نواب» برسد.<sup>[۵]</sup>

بنابراین به دستور حسینقلی خان نواب و توسط نبیل‌الدوله مورگان شوستر عازم ایران شد. قبل از ورود شوستر به تهران، علیقلی خان نبیل‌الدوله نامه‌ای خطاب به محفل بهائیان ایران نوشت و از آنها خواست تا از شوستر استقبال درخور توجهی بنمایند. دو نفر از بهائیان که زبان انگلیسی می‌دانستند به بندر انزلی رفتند و از طرف محفل بهائیان ایران به او خیرمقدم گفتند. دو روز قبل از ورود شوستر به تهران، صد تن از بهائیان تهران به قریه‌ی مهرآباد رفتند و با فرش کردن بخشی از راه و تهیه‌ی وسایل پذیرایی و چای و شیرینی به او خیرمقدم گفتند. هنگام ورود شوستر به تهران مأموران دولتی به استقبالش نرفتند، اما بهائیان از وی استقبال نمودند و سفارتخانه‌های روس و انگلیس شایعه کردند که شوستر بهائی است.<sup>[۶]</sup>

محمود بدر که پدرش احمد نصیرالدوله با چارلز راسل سفیر آمریکا در تهران آشنا بود و با یکدیگر رفت‌وآمد خانوادگی داشتند، همراه با «مور» خبرنگار روزنامه‌ی تایمز، به علاوه دختر «راسل» به استقبال شوستر رفتند.<sup>[۷]</sup> وی تأیید می‌کند که عده‌ای از دوستان علیقلی خان نبیل‌الدوله وسایل پذیرایی «شوستر» را فراهم آوردند و مراسم معارفه، توسط «راسل» به عمل آمد. محل اقامت شوستر پارک اتابک متعلق به ارباب جمشید جمشیدیان بود.

اعزام شوستر به ایران و اقدامات او، اردوکشی روس‌ها به تهران را تسریع کرد، و این خود بحران دیگری بود که در این دوره از تاریخ ایران دیده می‌شود. پیوند شوستر با انجمن‌های سری و ارتباط او با گروه‌های افراطی و تروریستی و ارتباط با رهبران جامعه‌ی بهائی، امری است که در فرآیند آشوب‌سازی شرایط، بیش از هر چیز دیگری مؤثر بود. علیقلی خان که کارگردان اصلی این سناریو بود، همچنان در مقام خود باقی ماند و در سال ۱۹۱۹ به دستور وثوق‌الدوله، نخست‌وزیر وقت، مأمور مذاکره با «ویلسن» رئیس‌جمهور آمریکا شد. و با ژنرال «پرسینگ» نیز هنگام عقد قرارداد صلح در پاریس به مذاکره پرداخت.

ورود شوستر به ایران و ارتباط او با گروه‌های افراطی و تروریستی، باعث شکل‌گیری یکی دیگر از کانون‌های بحران‌ساز دوره‌ی

قاجار بود. فعالیت‌های تروریستی این دوره از مسائل پیچیده و مبهم تاریخ است. در اینجا فقط به یک نکته اشاره و از اطاله‌ی کلام پرهیز می‌شود؛ فعالیت‌های تروریستی دوران انقلاب مشروطه و پس از آن ارتباط نزدیکی با شبکه‌ی بهائیت دارد. عضویت افراد بهائی در انجمن‌های مخفی تروریستی، از جمله «کمیته‌ی مجازات» و نقش مؤسسين بهائی این گروه تروریستی از جمله مسائل بازبینی نشده‌ی تاریخ ایران است. ابوالفتح‌زاده، منشی‌زاده و مشکات‌الممالک عضو فرقه‌ی بهائیت بودند [۸] که پایه‌گذاران کمیته‌ی مجازات شناخته شده‌اند. درباره‌ی قتل‌هایی که توسط اعضای کمیته‌ی مجازات و افراد وابسته به آن صورت گرفت، جایی برای ذکر مطلب نیست، ولی به این نکته باید اشاره کرد که تأسیس کمیته‌ی مجازات و بازتاب اجتماعی و سیاسی فراوان آن، چنان فضایی از رعب و وحشت را در تهران پدید آورد که تأثیرات سیاسی عمیقی بر جای نهاد. عملیات تروریستی کمیته‌ی مجازات را باید بخشی از سناریوی بغرنجی ارزیابی کرد که تقریباً چهار سال بعد به کودتای رضاخان و سید ضیاء‌الدین طباطبائی (۳ اسفند ۱۲۹۹) و سرانجام به سقوط حکومت قاجار و استقرار دیکتاتوری پهلوی انجامید. بخش دیگر این سناریو را باید در نهضت جنگل و شکست میرزا کوچک‌خان جنگلی بررسی کرد. [۹]

در دوران جنگ جهانی اول فرقه‌ی بهائی کارکردهای اطلاعاتی جدی به سود دولت بریتانیا داشت و این اقدامات کار را بدانجا رسانید که گویا در اواخر جنگ مقامات عثمانی تصمیم گرفتند، عباس افندی را اعدام کنند و اماکن بهائیان را در حیفا و عکا منهدم نمایند. اندکی بعد عثمانی شکست خورد و این طرح تحقق نیافت. پس از پایان جنگ جهانی اول شورای عالی متفقین قیومت فلسطین را به دولت بریتانیا واگذار کرد. دولت بریتانیا نیز به پاس قدردانی از خدمات بهائیان در دوران جنگ «شهسوار طریقت امپراطوری بریتانیا» [۱۰] را به عباس افندی (عبدالبهاء) اعطا کرد. [۱۱] اندکی بعد کودتای سوم اسفند ماه ۱۲۹۹ رضاخان میرپنج و سید ضیاء‌الدین طباطبائی در ایران رخ داد و به انقراض سلسله‌ی قاجاریه و آغاز حکومت پهلوی منجر شد.

پی نوشتها

[۱] اسدالله فاضل مازندرانی، « اسرار الاثار، تهران، مؤسسه‌ی ملی مطبوعات امری، بی تا، ج ۸، ق ۱، صص ۴۹۲-۴۹۰

[۲] عبدالرحیم ضرابی با مانکجی لیمجی ماتریا، رئیس شبکه اطلاعاتی بریتانیا در ایران مرتبط بود و کتاب تاریخ کاشان را به سفارش مانکجی نوشت. از این کتاب سه نسخه خطی وجود داشت که در اختیار مانکجی، هنری لیونل چرچیل (کارمند سفارت بریتانیا) و جلال‌الدوله، پسر ظل‌السلطان و حاکم کاشان بود. (ر. ک: عبدالرحیم کلانتر ضرابی (سهیل کاشانی)، تاریخ کاشان، به کوشش ایرج افشار، تهران، ابن سینا، ۱۳۴۱ (چاپ جدید: امیرکبیر، ۱۳۷۸)

[۳] ثریا شهسواری ، «اسناد فعالیتت بهایان در دروه محمدرضاشاه پهلوی»، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی ، ۱۳۷۸، ص ۵

[۴] همان، ص ۵۶

[۵] مورگان شوستر، اختناق ایران، ترجمه‌ی ابوالحسن موسوی شوشتری، تهران، انتشارات صفی‌علیشاه، ۱۳۴۴، صص ۶۱-۶۲

[۶] همان، صص ۱۰-۱۱

[۷] عبدالله، شهبازی، «جستاری در بهائیگری»، فصلنامه‌ی مطالعات تاریخ معاصر ایران، سال هفتم، شماره‌ی ۲۷، پاییز ۱۳۸۲

[۸] مهدی، بامداد، تاریخ رجال ایران در قرن ۱۲، ۱۳، ۱۴ هجری، تهران، چاپخانه‌ی بانک بازرگانی، ۱۳۴۷، ج ۱، ص ۱۲

[۹] شهبازی، عبدالله، زرسالاران یهودی و پارسی، استعمار بریتانیا و ایران، ۵ جلد، تهران، مؤسسه‌ی مطالعات و پژوهش‌های

سیاسی، ۱۳۷۷

[۱۰] Knight of the order of the British Empire

[۱۱] شهسواری، پیشین، ص ۵۲

آدرس مطلب :

<https://www.cafetarikh.com/news/۲۱۰۸۰/بهایان-اعزام-بهایان/۲۱۰۸۰>